خبرها

مجتبی عصبانی است

مجتبی جباری یکی از سوژه‌های مهم و اصلی این روزهای رسانه‌های ورزشی است. داستان جدایی یا ماندن او در استقلال هر روز به شکل‌های متفاوت در روزنامه‌ها به چاپ می‌رسد. گاهی در یک روز دو مصاحبه کاملاً متفاوت از او منتشر می‌شود اما هنوز دقیقاً مشخص نیست که سرنوشت او چه خواهد شد. دیروز مجتبی جباری در گفت‌وگویی با ایپنا گفته است که دیگر منتظر استقلالی‌ها نمی‌ماند. ممکن است امروز نقل‌قول‌های دیگری هم از او شنیده شود اما به هر حال گفت‌وگوی او با ایپنا چندان بوی دوستی نمی‌دهد. مجتبی جباری با اظهار نارضایتی از وضعیت باشگاه استقلال گفت: قرار بود مسئولان تیم تکلیف مرا مشخص کنند ولی شرایط روزهای گذشته کماکان ادامه دارد و با این وضعیت منتظر استقلال نمی‌مانم. طی این چند وقت با هیچ تیمی به طور جدی وارد مذاکره نشدم و به خاطر استقلالی‌ها صبر کردم ولی با این شرایط پیشنهادات را به طور جدی مورد بررسی قرار می‌دهم تا به زودی برای سال آینده تصمیم بگیرم.

جباری در ادامه افزود: این بلاتکلیفی برای تمامی بازیکنان وجود دارد و جالب اینجا است که مسئولان باشگاه هیچ عکس‌العملی نشان نمی‌دهند. به نظر من آنها شفاف‌سازی نمی‌کنند و این شرایط باعث ناراحتی بازیکنان شده است. مسئولان استقلال باید در مورد وضعیت باشگاه و دلایل مشکلاتی که پیش آمده، با بازیکنان صحبت کنند تا مسائل روشن شود. وی تاکید کرد: بلاتکلیفی بازیکنان را اذیت می‌کند و خیلی‌ها هنوز حق و حقوق سال گذشته را دریافت نکرده‌اند. اکثر تیم‌ها درصدی از مبلغ قراردادهای فصل جدید را به بازیکنانشان داده‌اند ولی مسئولان استقلال برای انجام تعهدات خود امروز و فردا می‌کنند. جباری خاطرنشان کرد: شایعه شده که من فقط به امضای قرارداد یک‌ساله راضی هستم ولی این موضوع صحت ندارد. با توجه به مصدومیتم، این بی‌انصافی است که چنین خواسته‌ای داشته باشم. به هر تیمی بروم، قرارداد دوساله امضا می‌کنم. وی در مورد شایعه پیوستنش به پرسپولیس گفت: بعضی از روزنامه‌ها از قول من نوشته‌اند که حضورم در این تیم قطعی شده ولی چنین موضوعی صحت ندارد. به هیچ عنوان با پرسپولیس به طور جدی مذاکره نکرده‌ام ولی امکان دارد که طی روزهای آینده این مذاکرات جدی شود.

جدول تهرانی‌ها در هیات فوتبال

هفت تیم لیگ برتری استان تهران، عملکردهای متفاوتی در جذب بازیکنان جدید تا پایان روز دوازدهم تیرماه داشته‌اند. در حالی که کمتر از دو هفته از شروع رسمی ثبت قراردادهای جدید بازیکنان در فصل نقل و انتقالات می‌گذرد، تاکنون پرسپولیس با ثبت قرارداد پنج بازیکن بالاترین رکورد را در میان تیم‌های تهرانی دارا است. لویی صلاح حسن از لیگ عراق، علیرضا نیکبخت‌واحدی از استقلال، غلامحسین بادامکی از شهید قندی، مسعود زارعی از صباباتری و نیما قوی‌دل از تیم دسته اولی نیروی زمینی تهران بازیکنانی هستند که قرارداد نهایی خود را با تیم فوتبال پرسپولیس در هیات فوتبال به ثبت رسانده‌اند. پاس تهران پس از تیم فوتبال پرسپولیس با ثبت دو بازیکن بالاتر از سایر تیم‌های استان تهران قرار دارد. علی کریمی از تراکتورسازی تبریز و لفته حمیدی از استقلال اهواز بازیکنانی هستند که قرارداد سه ساله با پاس منعقد کرده‌اند.

بهشاد یاورزاده نیز تنها بازیکنی است که دوساله با تیم استقلال تهران قراردادش را به ثبت رسانده است. تیم صباباتری نیز تنها قرارداد علیرضا عباس‌فرد را ثبت کرده است که با این آمار تیم‌های صباباتری و استقلال تهران پس از پیروزی و پاس بیشترین جذب بازیکنان جدید را داشته‌اند.

تیم‌های راه‌آهن، پیکان و سایپا نیز تاکنون هیچ قرارداد جدیدی را به ثبت نرسانده‌اند.

مایلی‌کهن: هنوز تصمیم نگرفته‌ام

محمد مایلی‌کهن در خصوص احتمال کاندیدا شدن خود برای انتخابات ریاست فدراسیون فوتبال گفت: هنوز در این خصوص هیچ تصمیمی نگرفته‌ام و همه چیز به اتفاقات آینده بستگی دارد. وی ضمن بیان این مطلب با اشاره به عملکرد نامطلوب تیم ملی در جام‌جهانی آلمان که باعث فوتبال‌زدگی و ناراحتی مردم شده است، اظهار داشت: با توجه به این مطلب که بازیکنانی در تیم ملی حضور دارند که باید از تیم ملی خداحافظی کنند، ممکن است در تیم ملی با مشکل مواجه شویم و این کار را برای سرمربی آینده تیم ملی سخت خواهد کرد، به طور قطع سرمربی آینده تیم ملی ایران کار دشواری را در هدایت تیم ملی و آماده‌سازی مجدد این تیم خواهد داشت. مایلی‌کهن در خصوص استفاده از مربیان خارجی در تیم ملی فوتبال ادامه داد: ابتدا باید درباره شاخصه‌های یک مربی به صورت کارشناسی بحث و تبادل‌نظر صورت گیرد، این که یک مربی برای هدایت تیم ملی ایران به چه فاکتورهایی نیاز دارد را بررسی کنیم و سپس درخصوص داخلی یا خارجی بودن آن تصمیم‌گیری نماییم. سرمربی اسبق تیم ملی در ارتباط با پیشنهاد مربیگری در لیگ برتر سال آینده نیز گفت: فقط از تیم سپاهان اصفهان پیشنهاد داشتم که متاسفانه با مسئولان این تیم به توافق نرسیدم.

علی انصاریان در اهواز

سرانجام علی انصاریان وعده خود مبنی بر پیوستن به استقلال را عملی کرد منتها به جای استقلال تهران، همنام اهوازی را برگزید. علی انصاریان مدافع سابق پرسپولیس که پس از حضور آری هان در راس کادر فنی این تیم، کم‌کم از ترکیب این تیم کنار رفت و هفته‌های پایانی لیگ گذشته را نیز از حضور در تمرینات این تیم منع شده بود، با قراردادی دوساله به تیم فوتبال استقلال اهواز پیوست.

انصاریان که پیش از این تجربه حضور در سایپا را به همراه دارد، قصد داشت مجدداً به این تیم تهرانی بپوندد، اما ظاهراً اختلاف‌نظر در مذاکرات مانع حضور وی در این تیم نارنجی‌پوش شده است. مدافع سابق پرسپولیس با امضای قراردادی داخلی از روز گذشته در تمرینات استقلال اهواز شرکت کرده است و این تیم را در اردوی بلغارستان نیز همراهی خواهد کرد.

گفت وگو با ابراهیم میرزاپور

این بدترین اردوی ما بود

علی خماند

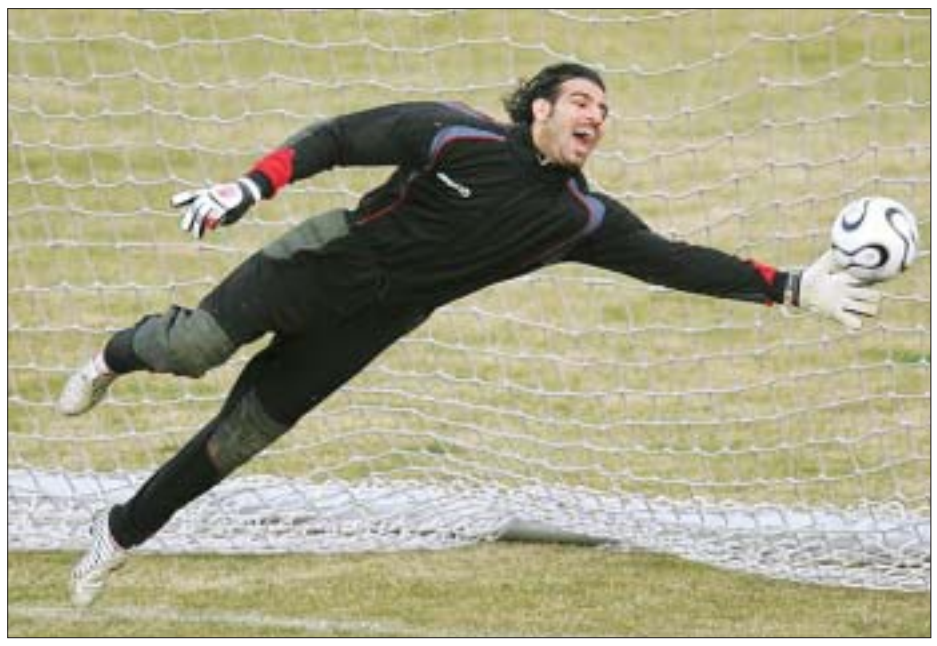

ابراهیم میرزاپور جزء بازیکنان متوسط ایران در جام‌جهانی بود، نه آنقدر خوب بود که بتوانیم نامش را میان خوب‌های ایران در این جام قرار دهیم و نه آنقدر بد که از او به عنوان یکی از دلایل شکست‌های ایران نام ببریم. با این همه، انتقاد از میرزاپور جزء عادت‌های ما شده و این بار که او در جام‌جهانی چند واکنش خوب هم داشته، گل دومی که از مکزیک خورد و نیز گل آنگولا، سبب شده که انتقاد از او همچنان ادامه داشته باشد. با او در این‌باره حرف زده‌ایم و اینکه چقدر در شکست‌های ایران مقصر بوده. بخوانید و ببینید که ابراهیم چگونه از خودش دفاع می‌کند.

■ ابراهیم، تو سومین دروازه‌بان ایران در جام‌جهانی بودی، نظرت در مورد جام‌جهانی چیست؟

برای من جام‌جهانی تمام شده و فقط باید در مورد آن حرف بزنم. قبل از جام‌جهانی آن‌قدر توقعات را بالا بردند و گفتند که تیم راحت از گروه خود صعود می‌کند که حد نداشت. الان از چیزی که خودمان ساخته‌ایم برای کوبیدن یک عده استفاده می‌کنیم. خودتان دیدید که ما در چه گروه سختی قرار داشتیم. هم گروه ما (پرتغال) الان جزء چهار تیم پایانی جام است اما وقتی از قدرت این تیم حرف می‌زدیم کسی ما را جدی نمی‌گرفت. اما با این حال اگر اتحاد داشتیم می‌توانستیم از گروه خود صعود کنیم.

■ یعنی فشارهای قبل از جام‌جهانی روی تیم تاثیر گذاشت؟

قبل از جام‌جهانی در حالی که همه ما را می‌کوبیدند، می‌گفتند که تیم باید صعود کند. برخورد خوبی با تیم ملی نمی‌شد اما همه از ما صعود می‌خواستند. اگر تیم ما هم می‌خواست صعود کند در آن فضا و فشار شرایط سخت‌تر می‌شد. همه بازی‌ها را فراموش کرده بودند و فقط از صعود حرف می‌زدند در حالی که در آلمان کسی برای ایران شانسی قائل نبود.

■ بعد از جام‌جهانی هم کاسه و کوزه سر یک‌سری از بازیکنان و مربیان شکست که تو هم جزء آنها هستی.

انداختن توپ به زمین دیگران که همیشه هست و برای ما هم عادی شده. ما قبل از جام‌جهانی هم پیش‌بینی این حرف‌ها را داشتیم. حالا تمام تقصیرها باید به نام آقای دادکان، برانکو، دایی و من تمام شود...

■ پس پیش‌بینی این جور برخوردها را داشتی؟

این رفتارها قبلاً هم بوده است و چیز جدیدی برای ما نیست. اما در جام‌جهانی توقعات بالاتر رفته بود و بعد از باخت معلوم بود که برخوردها بدتر می‌شود. ما عادت داریم که شکست را به گردن چند نفر بیندازیم.

■ در مورد گلی که از مکزیک خوردی بگو؟

اشتباهات در این گل یکی - دوتا نبود و نمی‌توانم بگویم که یک نفر در این گل مقصر بود. اگر حسین توپ را به جلو می‌زد... من توپ را درست دفع می‌کردم... و رحمان هم اشتباه کرد و گل خوردیم. بزرگترین دروازه‌بان‌های جام اشتباه کردند اما تمام حرف و حدیث‌های جام بر روی همین گل بود و اشتباه ما را بزرگ‌ترین اشتباه جام کردند.

■ اوضاع تیم در مدت جام‌جهانی چطور بود؟

متاسفانه بدترین اردویی که در ۵ سال حضور در تیم ملی دیدم همین اردو بود. بچه‌ها با هم دوست نبودند. صمیمیت و یکدلی در تیم نبود. همه مقصر را مربیان می‌دانستند و هیچ‌کس با بچه‌ها برخورد نمی‌کرد و هر کس هر کاری که دوست داشت انجام می‌داد. چون همه می‌دانستند که بعد از جام‌جهانی آقای دادکان و برانکو نیستند و خیالشان از بابت رفتاری که انجام می‌دادند راحت بود. آنها مطمئن بودند که بعد از این جام کسی نیست و مربی بعدی هم آنها را دعوت می‌کند. احترام گذاشتن در تیم وجود نداشت اما باید این برخوردها حداقل در اردوی نهایی در آلمان تمام می‌شد و بازیکنان به‌خاطر نام ایران با هم متحد می‌شدند.

■ حاشیه در داخل زمین هم بود؟

فوتبال فقط به داخل زمین بستگی ندارد و شرایط اردویی در تیم تاثیر زیادی می‌گذارد. به‌خصوص در مسابقات سطح بالایی مثل جام‌جهانی.

■ می‌گویند در تیم باندبازی بود؟

نه، این حرف‌ها را قبول ندارم.

■ گفته می‌شود بعضی‌ها می‌خواستند لیدر تیم باشند و مسائل از همان‌جا شروع شد؟

اینها را هم قبول ندارم. فقط مشکل این بود که بچه‌ها می‌دانستند که بعد از جام تغییر و تحولات زیادی صورت می‌گیرد.

■ مربیان چه فکری برای این مشکلات کردند؟

مربیان... نمی‌دانم... بچه‌ها خیلی پشت سر همدیگر حرف می‌زدند و در آنجا هم شنیدیم که من، دایی، دادکان و برانکو مقصر شکست خواهیم شد. اما چیزهایی هست که وجدانم قبول نمی‌کند نگویم. کریمی با مچ آسیب‌دیده دوست داشت به تیم کمک کند. او حتی در ضربه‌زدن به توپ هم با درد مواجه می‌شد. وحید چهل پنجاه روز تمرین نداشت اما همه کار برای تیم کرد. مهدی ۱۰ روز تمرین نکرد ولی عالی بود.

■ چرا باید بازیکنان در اردویی اینقدر حساس این‌طور رفتار کنند؟

وحید هاشمیان حرف خوبی می‌زد و می‌گفت بعضی‌ها از رفتار برانکو سوءاستفاده می‌کنند. او هیچ‌وقت به بازیکنان توهین نمی‌کرد و رفتار آرامی با بازیکنان داشت ولی این رفتار تا زمانی جواب می‌دهد که بازیکنان ندانند فردا نیستی؟

■ خیلی‌ها هم در این مدت از تو انتقاد کردند، نظری نداری؟

دوست دارم کسانی از من انتقاد کنند که واقعاً کارشناس باشند. کسی که خودش دروازه‌بان است چرا باید در مورد من صحبت کند. دروازه‌بانی که از باشگاه خود اخراج شده است و فقط در رسانه‌ها دروازه‌بان است و اکنون برای مطرح شدن به عالم هنر روی آورده است چرا باید از من انتقاد کند. مربی فلان تیم به خاطر اینکه دروازه‌بانش روی نیمکت است من را تخریب می‌کند تا دروازه‌بان خودش درون دروازه قرار گیرد. کسانی از من انتقاد کردند که در جایگاه کارشناس نیستند. اما ناصر حجازی هم از من انتقاد کرد و واقعاً از او تشکر می‌کنم.

■ گرفتن توپ دکو سخت بود؟

سخت نبود، در آن صحنه رحمان و جواد نکونام دید من را کور کردند و اصلاً دید نداشتم. پای تکیه گاهم درست در سمتی بود که شیرجه بروم اما توپ را دیر دیدم. البته دکو توپ را واقعاً استادانه زد.

■ شایعه شده که تو و دایی در لیست بعدی تیم ملی نیستید.

مگر مربی تیم ملی مشخص شده، به چه دلیل نباید باشم. اما این را بگویم اگر کسی بهتر از من باشد خودم کنار می‌روم و احتیاجی نیست که کنارم بگذارند.

■ فصل آینده کجا خواهی رفت؟

قبل از جام‌جهانی با آقای انصاری‌فرد صحبت کردم و قرار بود با من تماس بگیرند اما فعلاً که تماس نگرفتند.

خلاصه گفت وگو

۱- انداختن توپ به زمین دیگران که همیشه هست و برای ما هم عادی شده. ما قبل از جام‌جهانی هم پیش‌بینی این حرف‌ها را داشتیم.

۲- همه می‌دانستند که بعد از جام‌جهانی آقای دادکان و برانکو نیستند و خیالشان از بابت رفتاری که انجام می‌دادند راحت بود.

فیگو، یک قدم تا آرزوی بزرگ

محسن ابراهیمی

آن شب- از بازی پرتغال- انگلیس حرف می‌زنیم. دو سال پیش در لیسبون، لوئیس از بازی بیرون کشیده شد، بازوبند کاپیتانی را به گوشه‌ای پرتاب کرد و بدون اینکه با کسی دست بدهد- اسکولاری و دوستانش در آن بازی سختی می‌کشیدند، به زحمت افتادند و گل خورده و نتیجه باخته ۱- صفر مقابل انگلیس را باید جبران می‌کردند. مایکل اوون توانسته بود گل برتری انگلیس را به ثمر برساند و همه چیز دست شیرها بود. هلدر پوستیگا وارد بازی می‌شود و گل مساوی را به ثمر می‌رساند و بازی به وقت اضافی و پنالتی کشیده می‌شود. پرتغال به نیمه‌نهایی می‌رود و انگلستان مجبور می‌شود به خانه‌اش برگردد. فیگو ناپدید می‌شود، نه صدایی، نه نفسی، هیچ‌کس هم ندید که او چگونه از ورزشگاه خارج شد و کسی هم نتوانست تلفنی با او صحبت کند.

مردم لیسبون شاد هستند، سرمست از پیروزی مقابل انگلیس و رسیدن به مرحله بالاتر. صدایی به گوش می‌رسد: فیگو دیگر به درد نمی‌خورد، به اندازه کافی پیر شده است، بداخلاق است، خونی در رگ‌هایش وجود ندارد و زمان آن رسیده که فیل‌ها- فیگو و روی کاستا و دوستانشان- دیگر از فوتبال دست بکشند. فیگو بعد از آن در تمرینات حاضر می‌شود، نیمه‌نهایی را هم می‌برند و به فینال می‌رسند جایی که بازی را به یونان می‌بازند. به نظر می‌رسد که دیگر فیگو از بازی خسته شده و از این به بعد پیراهنش را در نفتالین نگه خواهد داشت. اما دو سال بعد لوئیس فلیپه مدیه‌را- با نام مخفف فیگو- می‌گوید که هنوز هم برای بازی انگیزه دارد و می‌خواهد ادامه دهد و از این فوتبال لذت می‌برد و به آن وابسته شده است. شاید هم به این دلیل ماسیمو موراتی حاضر شده است میلیون یورو‌های خود را به پای او خرج کند و انتظار داشته باشد که حداقل یک بار با فیگو قهرمان شود. گرچه ایتالیایی‌ها هم از بازی او خسته شده‌اند اما فیگو همه ماجراهای گذشته دور و نزدیک را فراموش کرده است. مردم لیسبون در گذشته دور و طرفداران اینتر دو ماه قبل را. او خودش را برای بازی مقابل فرانسه آماده می‌کند. او شعار همیشگی خودش را دارد «همیشه باید پیش رفت». ابتدا در برابر فرانسه و بعد هم شاید در برلین و فینال جام‌جهانی. او می‌گوید گرچه شادابی گذشته‌اش را ندارد اما وقت آن نیست که خسته شود و در ادامه راه بماند. به قول میشل پلاتینی «کسی که می‌داند، می‌داند و کسی که نمی‌داند هرگز نخواهد دانست.» فیگو یکی از آنهایی است که می‌داند مثل زین‌الدین زیدان. کسی که تا سال پیش دوست و همبازی او بود و حالا دشمن و رقیب شماره یک او و پرتغال است. این نبرد مثل یک فینال می‌ماند. آنتونیو و ماری خوانا صاحب فروشگاه لباس در لیسبون- پدر و مادر فیگو- هیچ‌وقت فکر نمی‌کردند که پسرشان با یک ستاره سوئدی ازدواج کند و چنین انتخابی داشته باشد و این ازدواج را خطرناک می‌دانستند اما زندگی فیگو همیشه پنهان و آرام دنبال شده است و هیچ‌گاه خطری برایش محسوب نمی‌شد و کمک کرد تا او قدم‌های درستی را در دوران فوتبالش بردارد. فیگو زیبا دریبل نمی‌زند اما در همین تکنیک هم مهارت خوبی دارد و می‌تواند همه حریفانش را با قدرت کنار بزند. به خوبی شوت می‌زند حتی اگر شوتش پیچدار نباشد. او به جای اینکه سر از پارما یا یووه دربیاورد به بارسلونا رفت و بعد هم به خاطر پول‌های بیشتر دل‌های طرفداران بارسا را جریحه‌دار کرد و به رئال مادرید رفت و در کنار کهکشانی‌های این تیم ۶ میلیون یورو حقوق می‌گرفت. زندگی فیگو فراز و نشیب‌های زیادی داشته است. طرفداران بارسا اعتراض خود را نشان دادند و مردم لیسبون او را هو کردند اما امروز برای همه آنها فیگو یک مشخصه آشکار دارد اینکه او کاپیتان است و باید تیمی را به فینال برساند که ۴۰ سال است در حسرت نیمه‌نهایی مانده‌اند و حالا اگر به فینال برسند بزرگترین اتفاق فوتبال کشورشان را رقم زده‌اند و مسلماً نام فیگو در این لیست پرافتخار اولین خواهد بود در کنار فیل بزرگ.

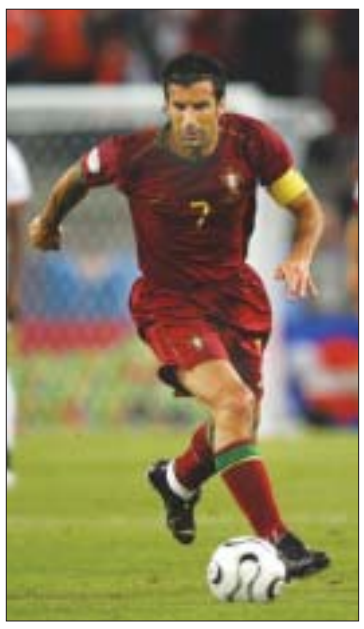

همان کسی که باعث پیشرفت او شد ولی دو سال پیش او را نادیده گرفت و با بداخلاقی زمین را ترک کرد اما امروز اعتراف می‌کند که بدون اسکولاری فوتبال معنایی ندارد. فیگو می‌گوید: «به شرایط حساس و زیبایی رسیده‌ایم. برای ما بازی نیمه‌نهایی کمتر از فینال نیست اما دوست نداریم که بازنده باشیم حتی اگر در برابر زیدان و دیگر دوستانم قرار بگیرم. ما از روزی که به آلمان آمده‌ایم به دنبال این بودیم که به فینال برسیم و حالا در یک قدمی آن هستیم و تمام تلاش خودمان را می‌کنیم تا برنده این بازی بزرگ باشیم.» فیگو بازی را ادامه می‌دهد، در همان سکوت و آرامشی که در این چند وقت از او دیده می‌شود. او دوست ندارد زیاد صحبت کند و بیشتر ترجیح می‌دهد در زمین بدود. برای او فوتبال همه چیز است و قبل از آنکه بار دیگر او را فیل پیر پرتغال صدا بزنند می‌خواهد با خاطره‌ای خوب فوتبال را تمام کند. امشب برای او شب بزرگی است. فراتر از تمام شب‌هایی که با رئال، بارسا، لیسبون و اینتر گذرانده است.

عکس روز

تیم ملی اکوادور پس از درخشش در جام جهانی مورد تقدیر قرار گرفت.
کارلوس تنوریو از دست رئیس جمهور مدال افتخار می‌گیرد.

سوت طلایی

خورخه لاریوندا

مراقب باشید، اهل مماشات نیست

دیدار اروپایی پرتغال و فرانسه را داوری از آمریکای‌جنوبی سوت خواهد زد. خورخه لاریوندا اهل اروگوئه است و امشب با کمک والتر ریل و پابلو فاندینو پا به زمین آلیانز خواهد گذاشت. لاریوندا پیش از بازی امشب ۳ بازی ایتالیا- آمریکا، فرانسه- توگو و آنگولا - پرتغال را سوت زده و کاملاً با بازیکنان دو تیم آشناست. لاریوندا در بازی ایتالیا و آمریکا دو تن از بازیکنان آمریکا را اخراج کرد تا نشان دهد چندان اهل مماشات و تساهل نیست. قاضی دیدار امشب متولد نهم مارس ۱۹۶۸ است یعنی دو سال دیگر تا چلچلی فاصله دارد. قد او متوسط ۱ متر و ۷۶ سانتی‌متر و وزن او ایده‌آل (۷۴ کیلوگرم) است. لاریوندا از اول ژانویه ۱۹۹۸ به عنوان داور بین‌المللی وارد لیست فیفا شده و در ۲۰ ژوئن سال ۱۹۹۹ اولین دیدار رسمی را بین شیلی و بولیوی قضاوت کرده است. زبان مادری وی اسپانیولی است اما به انگلیسی هم تسلط دارد. لاریوندا کارمند دفتری یکی از موسسات نیمه‌دولتی مونته‌ویدئو است و به طور کلی به نگهداری حیوانات اهلی مثل سگ، پرندگان و به خصوص طوطی علاقه زیادی دارد.

در فهرست قضاوت‌های او دیدارهای خاطره‌انگیزی مثل دیدار فرانسه و ترکیه در جام کنفدراسیون‌های سال ۲۰۰۳ و مسابقات المپیک ۲۰۰۴ بین ایتالیا و عراق دیده می‌شود.

آخرین دیداری که لاریوندا پیش از آغاز جام‌جهانی قضاوت کرد بازی بولیوی و برزیل در نهم اکتبر ۲۰۰۵ بوده است.

کلوپ هواداران

حال اروپایی‌ها خوب است

به اوج رفتن فرانسه با زیزو

علی محسنی: زیدان با بازی اعجاب انگیز خود در برابر برزیل، تحسین همگان را برانگیخته است، حتی هواداران پرتغال! فرانسه ای که تا این جای مسابقات، توجهی را جلب نمی‌کرد، حالا به برکت زیزو شانس بسیار جدی قهرمانی است.

■ تصور می‌کنم که زیدان فوق‌العاده بود. اما رونالدینیو بازی بدی ارائه داد شاید چون دکو در کنار او در بارسلونا بازی می‌کند. پرتغال در قدرت کامل در رویارویی با فرانسه است. در انتظار بازی بزرگی هستیم چون ما پرتغالی‌ها خواهان زنده کردن بعضی نتایج گذشته ایم.

کیزر سوسا از انگلستان

■ نتیجه ۱-۰ تمام آنچه در مسابقه رخ داد را منعکس نمی‌کند. فرانسه باعث شده بود برزیل واقعاً بد بازی کند. آنها می‌توانستند گل‌های بیشتری به ثمر برسانند. من تنها آرزو می‌کنم که فرانسه این عملکرد را در برابر پرتغال تکرار نکند بلکه بهتر از بازی قبل بازی کند.

مارسی از پرتغال

■ زیدان باور نکردنی بود. از حامیان خارجی (البته نه اسپانیایی‌ها و برزیلی‌ها) که به این بازی خواهند آمد، تشکر می‌کنم. لطفاً، پرتغال را ببرید!

هارف از فرانسه

■ در بازی نیمه‌نهایی، دیدن زیدان و فیگو بسیار شگفت‌انگیز خواهد بود. احتمالاً رقابت آخر برای هر دو خواهد بود و احتمالاً بهترین بازیکنان این سال‌های اخیر خواهند بود.

لورنزو از انگلستان

■ شما با تیمی بازی خواهید کرد که کمتر قابل احترام است و کمبود افتخار دارد. آنها شیرجه می‌زنند و فریاد خواهند زد. آنها در دو دور گذشته آموخته‌اند به این حربه‌ها متوسل شوند. آنها در تلاش برای دواخطاره کردن زیدان هستند تا فینال را از دست بدهد. پس از آن، آنها به سراغ ریبری خواهند رفت.

VIVELA FRANCE از کانادا

■ پرتغال ممکن است بازیکنان بزرگی نداشته باشد اما آنها اسکولاری را دارند و این کافی است تا فرانسه را نگران کند.

تاسین از کانادا

■ ما در یورو ۲۰۰۴ فینالیست بودیم؛ در همان سالی که پورتو جام یوفا را برد و ژوزه مورینیو لیگ برتر را دو سال پیاپی برای چلسی به ارمغان آورد و حال، در جمع چهار تیم برتر جام‌جهانی هستیم. در انتظار افتخار!

اسکای از ایسلند

■ اگر تیم های دیگر و کشورهایی همچون انگلیس و هلند می‌توانستند از مردان پرتغال اعتبار و افتخار را بیاموزند، دنیا جای بسیار بهتری بود. با تشکر بسیار از فرانسوی ها که به یک تیم خوب اعتبار برد دادند. پرتغال موفق باشی!

روی از آمریکا

■ زیدان یک نابغه است اما من نگرانم. چون او یک کارت زرد دارد و می‌دانیم که گاهی اوقات او برای کنترل خودش، مشکل دارد. امیدوارم او در مقابل پرتغال در برابر فشار مقاومت کند. اگر نتواند، فینال را از دست خواهد داد.

ده ده از فرانسه

ادامه دقیقه صفر

آیا در مقایسه با دوره مربیانی مثل خود آقای چراغپور (دهلی ۱۹۸۲)، ناصر ابراهیمی (۱۹۸۴) علی پروین (۹۰ تا ۹۲)، محمد مایلی‌کهن (۹۶ تا ۹۸) و همایون شاهرخی (۲۰۰۴)، دوران برانکو دوران بهتری نبود؟

۳- موجی که با حضور مربیانی مثل مصطفی دنیزلی، آری هان، ورنر لورنت و رنه سیموئز آغاز شده نباید فروکش کند. مربیانی با پیشینه درخشان و «بزرگ» در مقیاس فوتبال ایران. البته این درست که مثلاً سابقه «هان» با «هیدینک» قابل مقایسه نیست اما به خاطر داشته باشیم که در ایران زندگی می‌کنیم، جایی که کار در آن قاعدتاً ایده‌آل مربیان مطرح خارجی نیست.

۴- در این باره که رنه سیموئز کیست و چه کرده نگاهی به کارنامه مربیگری او کافی به نظر می‌رسد. آقای چراغپور که اصرار دارد زبان انگلیسی خود را در برنامه‌های تلویزیونی به رخ بکشد، می‌تواند بخواند تا بداند او چگونه تبدیل به بت جوانان جامائیکایی شد؛ کشوری که جز موسیقی «رگه» و «باب مارلی» هیچ نداشت، اما با سیموئز به جام‌جهانی رسید... اگر این صفحه را سیاه کردیم به این دلیل بود امروز باید از مردانی مثل سیموئز با سطح و درک بالایشان از فوتبال دفاع کرد؛ کسی که چند دقیقه صحبت با او هیجان زده‌تان می‌کند، کسی که برخلاف آنچه آقای چراغپور می‌گوید شکست برزیل را پیش بینی کرد.

او با علاقه‌مندی بی‌حد و حصرش به فوتبال از آنها است که به آینده امیدوار می‌کند. به خصوص در روزهایی مثل این که سیاهی و یأس از در و دیوار می‌بارد... آقای چراغپور!